



## بحثی کوتاه پیرامون دیه های ششگانه

نویسنده: معرفت، محمد هادی

حقوق :: دادرسی :: فروردین و اردیبهشت 1377 - شماره 7

از 4 تا 7

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/74045>

دانلود شده توسط : محمدمامین رضانی

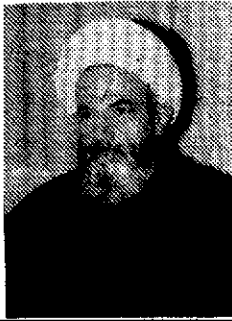
تاریخ دانلود : 1393/06/03 18:23:43

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.com](http://www.noormags.com)



آیت اله محمد هادی معرفت

## بعضی کوتاه پیرامون

### «بعضی کوتاه پیرامون»

پیرامون دیه های ششگانه (۱۰۰۰ دینار، ۱۰/۰۰۰ درهم، ۱۰۰ شتر، ۲۰۰ گاو، ۱۰۰۰ گوسفند، ۲۰۰ حله) پرسشهایی مطرح است که لازم است پاسخ مناسبی برای هر یک ارائه گردد.

در این مقال، به طور فشرده، پاسخهایی در حد ضرورت تهیه گردیده که در معرض مطالعه خوانندگان محترم قرار می گیرد، باشد تا با نقد و بررسی بیشتر اهل فضل و تحقیق کامل شود و مورد استفاده همگان قرار گیرد، ان شاء الله.

۱- مبنای مشروعیت دیه های ششگانه مشهور میان فقها - رضوان الله علیهم - در دیه نفس، شش چیز یاد شده است. محقق حلی در کتاب «شرایع الاسلام» می فرماید: «ودیه العمد، مائة من الابل المسان، او ماتا بقره، او ماتا حلة، كل حلة ثوبان من ثرود الیمن أو ألف دینار، أو ألف شاة، أو عشرة آلاف درهم».

(دیه قتل عمد، ۱۰۰ شتر بزرگسال (از دوساله به بالا) یا ۲۰۰ گاو - یا ۲۰۰ حله که هر حله عبارت است: از دو قطعه پارچه که از جنس بُردیمانی باشد. یا ۱۰۰۰ دینار - یا ۱۰۰۰ گوسفند - یا ۱۰/۰۰۰ درهم).

صاحب جواهر، در شرح میفرماید: «بلاخلاف أجدة فی شیئی من السنّة المزبورة، كما عن بعض الاعتراف به. بل عن الغنیة الاجماع

علیه أيضاً وعلى التخییر بینها. بل یمكن استفادتها من النصوص، كما ستعرفه...»<sup>(۱)</sup>

(مخالفی درباره هیچ یک از شش چیز یاد شده نیافتیم. که برخی نیز به آن اعتراف دارند. بلکه از این زهره در کتاب «الغنیة» دعوی اجماع شده، هم برش چیز یاد شده. و هم بر تخییر میان آنها، و امکان آن هست که از نصوص (روایات وارده) نیز استفاده شود).

آنچه که در اینجا مورد توجه می باشد، استفاده یاد شده از نصوص و روایات وارده می باشد. روایات در این باره هماهنگ

نیستند، و عدد ششگانه با کیفیت یاد شده، مشکل است که از نصوص مربوطه استفاده شود. در صحیحہ عبدالرحمان بن الحجاج آمده:

«قال سمعت ابن ابی لیلی يقول: كانت الذیة فی الجاهلیة مائة من الإبل، فأقرها رسول الله ﷺ ثم إنه فرض علی أهل البقر مائتی بقرة، وفرض علی أهل الشاة ألف شاة ثنیة، وعلی أهل الذهب ألف دینار، وعلی أهل الورق عشرة آلاف درهم. وعلی أهل الیمن الخلل مائتی حلة. قال عبدالرحمان بن الصّجاج: فسألت أبا عبدالله ﷺ عفا رؤی ابن لیلی. فقال: كان علی ﷺ يقول: الذیة ألف دینار - وقيمة الدینار عشرة دراهم - وعشرة آلاف لأهل الأمصار. وعلی أهل البوادی مائة من الإبل. ولأهل السواد مائتا بقرة، أو ألف شاة»<sup>(۲)</sup>

عبدالرحمان بن حجاج - که از بزرگان اصحاب امام صادق ﷺ است - گوید: از دین

ابی لیلی، یکی از فقهای سرشناس و متعادل اهل سنت در مدینه و معاصر امام صادق ﷺ شنیدم: دیه در دوران جاهلیت پیش از اسلام - ۱۰۰ شتر بوده که پیغمبر اکرم ﷺ آنرا پذیرفت. ولی بر کسانی که گاو دار بودند، ۲۰۰ گاو. و بر گوسفند داران ۱۰۰۰ گوسفند دوساله. و بر کسانی که دارای زربودند، ۱۰۰۰ دینار. و بر دارندگان پول سکه، ۱۰/۰۰۰ درهم. و بر مردم یمن ۲۰۰ حله، قرارداد.

آنگاه عبدالرحمان بن حجاج، می گوید: درباره آنچه ابن ابی لیلی گفته، از امام صادق ﷺ پرسیدم. حضرت فرمودند: علی ﷺ فرموده: دیه ۱۰۰۰ دینار است. و ارزش هر دینار ۱۰ درهم می باشد. و نیز ۱۰/۰۰۰ درهم، که این هردو نوع (۱۰۰۰ دینار یا ۱۰/۰۰۰ درهم) بر شهرنشینان است. ولی بر بیابان نشینان ۱۰۰ شتر، و بر کسانی که اهل کشت و زرع و دارای گاو و گوسفندند ۲۰۰ گاو یا ۱۰۰۰ گوسفند.

در این صحیح، طبق نقل صاحب وسائل، چند نکته قابل توجه می باشد:

اولاً - طرح مسأله «خلل - جمع حلة» در کلام معصوم نیامده، و حتی در تقریر سخن عبدالرحمان بن حجاج که از ابن ابی لیلی نقل کرده، مورد توجه معصوم قرار نگرفته، یک گونه بی اعتنائی یانادیده گرفتن، استفاده می شود. زیرا پس از استماع سخن

●● محقق صاحب شرایع فرموده: «وهذه السته اصول فی أنفسها ديه‌های شگاه هر يك اصالت دارند. صاحب جواهر در شرح می فرماید: «وليس بعضها بدلا عن آخر، فلا يعتبر التساوي في القيمة». هیچ يك بدل از دیگری نیست. لذا تساوی در قیمت شرط نمی باشد.

عبدالرحمان و نقل روایت ابن ابی لیلی، حضرت، صرفاً فرمایش امام امیرمؤمنان علیه السلام که فقط در پنج امر، صادرگشته، تقریر فرمودند. و به کلی از «حله» یادی نفرمودند. و برحسب مستفاد، محترمانه روایت ابن ابی لیلی را در این باره، نادیده گرفته، که حاکی از نپذیرفتن است.

علامه مجلسی درباره صحیحہ ابن حجاج و نقل گفتار ابن ابی لیلی گوید:

«و اعادته علیه السلام سائر الخصال و ترجمه الحلة، ان لم يكن نفيًا لها، فليس تقريرًا، للإعتماد عليه مشكل»<sup>(۳)</sup>

در اینکه امام علیه السلام دیگر انواع پنجگانه ديه را تکرار می فرمایند، و نامی از «حله» نمی برند، اگر دلالت بر نفی آن نکند، اثبات آن را هم نمی رساند. لذا استناد بر چنین نقلی مشکل است. و در دیگر روایات و آمده از ائمه معصومین علیهم السلام نیز نامی از «حله» برده نشده. جز در صحیحہ «ابن ابی عمیر» از «جمیل بن دراج» که او - یعنی جمیل بن دراج درباره ديه گفتند: «ألف دينار. أو عشرة آلاف درهم. ويؤخذ من أصحاب الخلل الخلل. ومن أصحاب الإبل الإبل. ومن أصحاب الغنم الغنم. ومن أصحاب البقر البقر»<sup>(۴)</sup>

طرح مسأله «حله» در ردیف پنج امر دیگر، گفته جمیل بن دراج است، که از علما و فقهای نامی اصحاب ائمه به شمار میرود. ولی نه از معصوم نقل کرده، و نه به امامی از ائمه معصومین نسبت داده شده. و ظاهراً اجتهادی است از خود جمیل، بر مبنای «معیار بودن ارزش نه عین» چنانچه خواهیم آورد. و بسیاری از فقها بر همین مبنی میباشند. و ظاهر روایات نیز چنین است. و جمیل

بر همین مبنی نظر داده، مقدار حلال و ابل و غنم و بقر را مشخص ننموده، زیرا اصل راهمان ۱۰۰۰ دینار و ۱۰/۰۰۰ درهم می دانسته به دلیل آنکه

بر همان مبنای باید مشخص گردد. لذا مسأله «حله» در هیچ یک از نصوص صادره از مقام عصمت مطرح نشده، و صرفاً در این دو صحیحہ است، که یکی در رابطه با ابن ابی لیلی که روایت عامی است، و دیگری در رابطه با جمیل بن دراج است، که اجتهاد شخصی اومی باشد. □ ثانیاً - صاحب و سائل این صحیحہ را

●● تنويع ديه، بر حسب حال و وضع پرداخت کنندگان است. تا آن گونه که شايسته حال و وضع آنها است، و دشوار نباشد، پرداخت نمایند.

(صحیحہ عبدالرحمان بن الحجاج) از کتب اربعه (من لا یحضره الفقیه - صدوق. کافی کلینی. تهذیب و استبصار - شیخ) به علاوه از کتاب «المقنع» صدوق، نقل کرده که در این پنج کتاب، به جای «مافئ حله» «مائه حله» آمده است.

در کتاب «من لا یحضره الفقیه» (ج ۴ ص ۷۸ رقم ۸) آمده: «... و علی اهل الخلل مائه حله...» و در کتاب «کافی شریف» (ج ۷ ص ۲۸۰ رقم ۱ باب الدیه): «... و علی اهل الیمن الخلل مائه حله...» و در «تهذیب الأحکام» ج ۱۰ ص ۱۶۰ رقم ۱۹). و نیز «استبصار» ج ۴ ص ۲۵۹ رقم ۳) همان عبارت کافی آمده است. و در کتاب «المقنع» گوید: «... و علی اهل الیمن الخلل، مائه حله»<sup>(۵)</sup>

مرحوم فیض کاشانی در کتاب «وافی» از محمد بن ثلاثه: صدوق. کلینی. شیخ. روایت یاد شده را به همان گونه که در کافی آمده نقل نموده است.<sup>(۶)</sup>

عموم آنکه نسخه های صحیح کتب اربعه، در دست مرحوم فیض بوده، و ایشان در نقل روایات کتب اربعه، غایت دقت را به

خرج داده است. شکرالله مساعیه الجمیله. علامه مجلسی در کتاب «مرآة العقول» ج ۲۴ ص ۲۴ نیز روایت کافی را با همین آورده. و اضافه فرموده: برخی کتابها که این روایت را از کافی «مافئ حله» نقل کرده اند، شاید به جهت شهرت فتوی به ۲۰۰ حله بوده. یعنی: انس ذهنی موجب گردیده که در نقل، چنین اشتباه یا اختلافی رخ دهد.

در صحیحہ جمیل هم که از عدد یادی نشده، لذا بنا بر گفته برخی از بزرگان، استناد روایتی (روایت از معصوم) برای فتوی ۲۰۰ حله، در دست نداریم.<sup>(۷)</sup>

پس مبنای فتوی مشهور، که از حله و با عدد ۲۰۰ یاد کرده اند، چیست؟ یادآور خواهیم شد.

□ ثانیاً - از گفتار امام علیه السلام در جواب عبدالرحمان بن الحجاج که فرموده مولا امیرمؤمنان را بیان نمودند، به دست می آید:

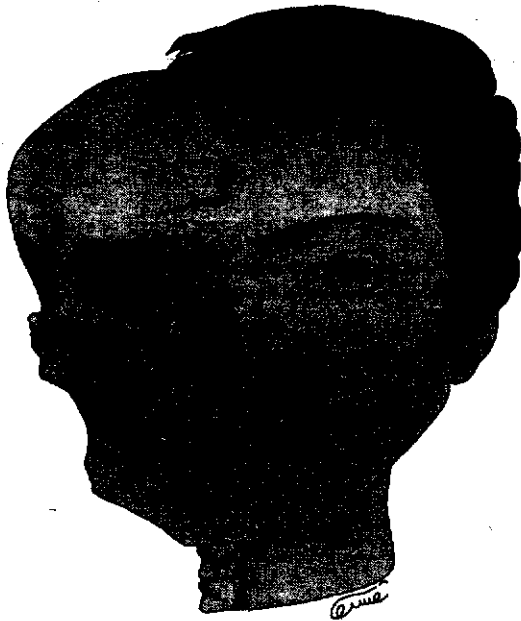
تنويع ديه، بر حسب حال و وضع پرداخت کنندگان است. تا آن گونه که شايسته حال و وضع آنهاست، و دشوار نباشد، پرداخت نمایند. و این خود یک نوع ارفاق و آسان گرفتن در پرداخت را می رساند.

لذا بر شهر نشینان دینار و درهم، و بر صحرانشینان شتر، و بر کشتکاران، گاو و گوسفند، مقرر فرموده بر حسب توان و قدرت پرداخت.

علاوه از لحن روایت فهمیده می شود: که اصل در ديه، همان ارزش هزار دینار است، که معیار سنجش دیگر انواع ديه می باشد. و حتی شتر نیز روی همین معیار ارزیابی شده، صاحب مفتاح الکرامه گوید: «وظاهر الخبر أن الاصل في الدية الدنانير»<sup>(۸)</sup>

این استظهار از بسیاری از روایات به دست می آید، و در جای خود می آوریم.

لذا همین صحیحہ در تهذیب (ج ۱۰ ص ۱۶۰) بدین صورت آمده: «كان علی - علیه السلام - يقول: الدية ألف دينار. وقيمة الدنانير عشرة آلاف درهم...»



دیه - اساساً هزار دینار است. که ارزش آن ده هزار درهم می باشد.

سپس میفرماید: «وعلى اهل الذهب الف دينار، وعلى اهل الورق عشرة آلاف درهم، لأهل الأمصار». «ولأهل البوادي الدية مائة من الإبل، ولأهل للسواد مائتا بقرة او الف شاة» شاهد بر مطلب ذیل روایت «حکم بن عتیبة یا عیینة» که امام باقر علیه السلام میفرماید «بحسب لكل بعير مائة درهم، فذلك عشرة آلاف»<sup>(۹)</sup>.  
برای هر شتر ۱۰۰ درهم منظور میگردد. از این رو دیه ۱۰/۰۰۰ درهم می باشد. در این باره توضیح خواهیم داد.

## ۲- چرا فقهاء دیه های ششگانه را مطرح کرده اند؟

سؤال به موردی است، زیرا اگر دیه های ششگانه به گونه ای که مشهور است، مخصوصاً در رابطه با «حله» و عدد «۲۰۰»، مستند شرعی ندارد، پس چرا فقهای بزرگ چنین فتوایی داده اند؟

جواب این سؤال، کم و بیش روشن گردیده، برای توضیح بیشتر می گویم: اساساً فقهای سلف، در موضوعات احکام غیر عبادی، بیشتر در پی شناسایی مناط واقعی حکم بوده اند، نه جمود بر الفاظ و عناوین مطرح شده در لسان دلیل. مثلاً «در همین باب (دیات) دزیی آن بوده اند که ملاک و مناط واقعی دیه نفس چیست، آیا عین اشیاء مذکوره در لسان روایات است، یا ارزش آنها، و آیا ارزش کدام یک معیار دیه می باشد، ۱۰۰ شتر یا ۱۰۰۰ دینار یا غیره؟ و از عبارت علامه قدس سره - و دیگران چنین برمی آید که معیار: همان ۱۰۰۰ دینار است. لذا اگر «حله» را مطرح کرده اند، یا عدد ۲۰۰ را گفته اند، بدون آنکه موضوعیت قایل باشند، میزان هزار دینار، منظورشان می باشد. و باید ارزش یادشده حفظ شود، خواه در این عدد یا کمتر، در حله یا غیر حله.

علامه در کتاب شریف «مختلف الشیعه» از مشهور فقها، نقل می کند، که اگر قاتل پارچه فروش باشد و بخواهد که «دیه» را از همان بپردازد، بایستی ۲۰۰ حله که هر حله دو قطعه پارچه از بُردهای یمنی بوده باشد.

در عدد جای بحث نیست، در حالیکه قیمت محفوظ باشد که همان ۱۰/۰۰۰ درهم، برابر با ۱۰۰۰۰ دینار است.

## ۳- آیادیه های ششگانه اصالت دارند؟

محقق صاحب شرایع فرموده: «وهذه الستة أصول في أنفسها» دیه های ششگانه هر یک اصالت دارند. صاحب جواهر در شرح می فرماید: «ولیس بعضها بدلا عن آخر، فلا یعتبر التساوی فی القيمة»<sup>(۱۳)</sup> هیچ یک بدل از دیگری نیست. لذا تساوی در قیمت شرط نمی باشد.

دلیل بر این مطلب را، نصوص، فتاوی، و معاهد اجماعات می داند. یعنی: اجماع فقها بر این اساس منعقد شده که جانی مخیر است در پرداخت هر یک از امور ششگانه، مطلقاً چه از نظر ارزش مساوی باشند یا متفاوت.

امام راحل قدس سره - هماهنگ عبارت صاحب شرایع فرموده: «الظاهر أن الستة اصول في نفسها، ولیس بعضها بدلا عن بعض، ولا بعضها مشروطاً بعدم بعض، ولا یعتبر التساوی فی القيمة ولا التراضی، فالجانی مخیر فی بذل أيها شاء»<sup>(۱۴)</sup>.

ظاهر عبارت أصحاب همین را می رساند. ولی آیا دلیل استنادی در روایات صادره از ائمه معصومین - علیهم السلام - بر آن یافت می شود، بانه، مطلب دیگری است که باید پیگیری شود.

در مفتاح الكرامة درباره «حَلَل» و نیز

سپس از صدوق در کتاب «المقنع» طبق روایتی که در کتاب «من لا یحضره الفقیه» آورده، نقل می کند، که گفته: ۱۰۰ حله.

آنگاه می گوید: قول نخست را شیخ مفید و شیخ طوسی و سلار و ابوالصلاح حلبی و ابن البراج گفته اند. و ابن البراج افزوده: بایستی ارزش هر حله پنج دینار باشد.

قاضی ابن البراج چنین گفته: «و ما نفا. حلة ان كان من اصحاب البئز، قيمة كل حلة خمسة دنانیر»<sup>(۱۰)</sup> و همچنین ظاهر کلام ابن ابی عقیل عثمائی - که از بزرگان فقهای امامیه است - اعتبار به قیمت است. چنین گوید: *الدية في العمد والخطاء سواء على اهل الورق عشرة آلاف، قيمة كل عشرة دراهم دینار. وعلى اهل العين الف دینار. وعلى اهل الابل والبقر والغنم من أي صنف كان، قيمة عشرة آلاف درهم»*<sup>(۱۱)</sup>.

اصل در دیه را ۱۰۰۰ دینار میدانند. آنگاه ۱۰/۰۰۰ درهم را در صورتی که هر ۱۰ درهم یک دینار ارزش داشته باشد. ولی شتر و گاو و گوسفند را، بدون تعیین عدد، به ارزش ۱۰۰۰ دینار، گفته است. پرورش آن که ملاک و مناط در دیه را همان ارزش هزار دینار دانسته و همان را معیار گرفته است.

علامه قدس سره - پس از نقل این اقوال، ودقت در برداشت از آنها می گوید: «وان كان الضابط اعتبار القيمة، فلا مشاخة في العدد، مع حفظ القيمة وهي: عشرة آلاف درهم أو الف دینار»<sup>(۱۲)</sup>. در صورتی که معیار قیمت باشد،

●● مساله تساوی در ارزش ديه های معين شده قتل نفس است، که معيار اصلی هزاردينار، هردينار، سه چهارم مثقال معمولی طلا است. که مجموعاً ۷۵۰ مثقال طلا می‌گردد.

درباره اصالت ديه های ششگانه، جزاجماع و تسالم اصحاب دليل ديگری ارائه نداده، لذا گویند: «فالمندار على الاجماع نقلاً وتحصيلاً» (۱۵)

در جواهر الکلام نیز بر همین روش رفته، و روایاتی که دلالت بر بدلیت دارند، با معيار راقیمت قرار داده، که تساوی را می‌رساند، بر تقيّه یا بر حکمت اصل تشريع حمل نموده است. (۱۶)

پیش از آنکه به بررسی این روش پردازیم، ضرورت است روایات راستنداً و دلالتاً مورد بررسی قرار دهیم:

۱- صحیحہ عبدالرحمان بن الحجاج: «کان علی - علیه السلام - يقول: الدية ألف دينار. وقيمة الدنانير عشرة آلاف درهم. وعلی أهل الذهب ألف دينار، وعلی أهل الورق عشرة آلاف درهم، لاهل الأمصار. و لاهل البوادي مائة من الإبل ولأهل السواد مائتا بقرة أو ألف شاة» (۱۷)

ابتداءً ديه را هزار دينار فرموده. و هزار دينار را برابر باده هزار درهم گرفته، سپس به وضع و حال پرداخت کنندگان پرداخته، که شهریان دينار یادرهم، و بیابانیان، شتر و کشتکاران، گاو یا گوسفند، پرواضح است که این صحیحه، اصل زابر هزار دينار، برابر ده هزار درهم قرار داده، و لذا صاحب مفتاح الكرامة صریحاً اعتراف می‌نماید که ظاهر این صحیحه، اصل قرار دادن هزار دينار است «وظاهر الخیر: أن الاصل في الذیة الدنانیر» (۱۸)

و نسبی توان این صحیحه را با این صراحت، بر تقيّه حمل کنیم، بلکه صریحاً در آن، مخالفت تقيّه اعمال شده، که روایت یا گفتار ابن ابی لیلی، درباره خلل نادیده گرفته شده، به گونه‌ای که آن رامتنفی دانسته، و چنانچه در کلام علامه مجلسی گذشت. و صاحب مفتاح الكرامة نیز گوید: «واعادة سایر الخلال و ترک الخلل ان لم تکن نفياً فلیست تقریراً لها» (۱۹)

۲- صحیحہ عبدالله بن سنان: از امام جعفر بن محمد الصادق - علیه السلام - «وان كان فی ارض فیها الدنانیر فان فیها دینار. وان فی ارض فیها الإبل فمائة من الإبل وان فی ارض فیها الدرهم فدرهم» (۲۰)

در این صحیحه، اصل را دنانیر و ابل گرفته و درهم را بر همان حساب دنانیر آورده که در آن زمان ظاهراً هردینار، دوازده درهم بوده که دو روایت ذیل آن - در وسائل بدان اشارت دارد. (۲۱)

۳- روایت ابی بصیر: «دية الرجل مائة من الإبل، فان لم يكن من البقر بقيمة ذلك» (۲۲)

ظاهراً آن است که ابو بصیر، این سخن را از معصوم نقل می‌کند. و اگر فرضاً سخن خود او باشد کافی است که دلالت بر آن دارد که فهم اصحاب ائمه نیز لحاظ قیمت در دیگر انواع ديه است.

۴- روایت عبدالله بن سنان عن الصادق علیه السلام: «و قيمة كل بعير مائة وعشرون درهماً، او عشرة دنانیر» (۲۳)

۵- در سه روایت معاوية بن وهب، و ابی بصیر، و زید شحام، آمده: «في ذیة العمد: مائة من فحولة الإبل المسان، فان لم يكن ابل، فمكان كل جعل عشرون من فحولة الغنم» (۲۴)

گرچه لازمه این روایات دو هزار گوسفند است، و ممکن است که تفاوت قیمت پیدا کرده بوده. و همین اختلاف در عدد دیگر انواع ديه، دليل روشنی است که اصالت نداشتند، و باید قیمت هزار دينار یا صد شتر لحاظ شود.

\*\*\*\*\*

علاوه در باب دیات اعضاء و جراحات و منافع، صرفاً دنانیر و ابل نام برده شده، و احياناً درهم، جز در یک روایت ضعیف السند که از دیگر انواع دیات نام می‌برد. (۲۵)

و این خود بهترین شاهی است بر اصالت دنانیر و ابل، و معیار بودن این دو برای تعیین ارزش دیگر اجناس ديه، گرچه ظاهراً بازگشت شتر نیز به دینار است. (تحقیق در این باره را در مقالی جدا می‌آوریم). و فقها نیز

در کتاب دیات اعضاء و جراحات صرفاً از ابل و دنانیر نام می‌برند.

نتیجه مثبتی که از این بحث می‌بریم: مساله تساوی در ارزش ديه های معين شده قتل نفس است، که معيار اصلی هزاردينار، هردينار، سه چهارم مثقال معمولی طلا است. که مجموعاً ۷۵۰ مثقال طلا می‌گردد. و ديگر انواع ديه با همين معيار باید مورد سنجش قرار گیرد. و اشکال نوسان در ديه انسان، و تفاوت فاحش بين انواع ديه که برخی مطرح کرده اند، مرتفع می‌گردد.

والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين.

پی‌نوشت:

- ۱- جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۴.
- ۲- وسائل الشیعه (طال البیت)، ج ۲۹، ص ۱۹۳-۱۹۴
- باب ۱، دیات النفس رقم ۱.
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۹۵ رقم ۴.
- ۴- مرآة العقول، ج ۲۴، ص ۲۵.
- ۵- المنقح، ص ۵۱۴.
- ۶- الرافی، ج ۱۶، ص ۵۹۷ رقم ۸.
- ۷- حاشیه مرآة العقول، ج ۲۴، ص ۲۵.
- ۸- مفتاح الكرامة، ج ۱۰، ص ۳۵۴.
- ۹- کافی شریف، ج ۷، ص ۳۲۹ و وسائل، ج ۲۹، ص ۲۰۲.
- ۱۰- رجوع به المهذب قاضی ابن البراج، ج ۲، ص ۴۵۷. بز: پارچه، اصحاب البز: پارچه فروشان.
- ۱۱- مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۲۸۸.
- ۱۲- رجوع شود به: مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۸-۴۳۹.
- فصل ۷، مساله ۱۰۷ من اللواحق.
- ۱۳- جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۵.
- ۱۴- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۰ مقادیر الدیات.
- ۱۵- مفتاح الكرامة، ج ۱۰، ص ۳۵۴ و ۳۵۷.
- ۱۶- جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۵-۱۶.
- ۱۷- تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۶۰ رقم ۱۹/۶۴۰.
- ۱۸ و ۱۹- مفتاح الكرامة، ج ۱۰، ص ۳۵۴.
- ۲۰- وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۹۶-۱۹۷، رقم ۹.
- ۲۱- وسائل، همان صفحه رقم ۱۰ و ۱۱.
- ۲۲- همان، رقم ۱۲.
- ۲۳- همان، ص ۱۹۹، باب ۲ رقم ۱.
- ۲۴- همان، ص ۱۰۰، رقم ۳ و ص ۱۰۱، رقم ۵.
- ۲۵- همان، ص ۳۴۴، رقم ۶.